یک راهنمای عمومی برای دائرة المعارف نویسی

حسین قرشی، محمد

طرح،تدوین و نوشتن دائرة المعارف از تخصصی‏ترین کارهاست.در حقیقت، دائرة المعارف بیان کنندهء پیوستگی و یگانگی‏ معارف بشری است.بنابراین اصل است که‏ هربرت جورج ولز(1)دائرة المعارف نگاری را تلفیق و تمرکز مطالب متنوع در یک مجموعه‏ می‏داند.در چنین ساختی،اگر چه هر یک از زمینه‏ها یا هر بخش از دانش بشری مستقل از دیگری است،بین آنها پیوستگی و وحدت وجود دارد.حال ممکن است این سؤال مطرح شود که‏ در پدید آوردن چنین اثری چه اصول و ضوابطی را باید به کار گرفت؟اصول زبان شناختی حاکم بر تدوین دائرة المعارفها چیست؟دائرة المعارف‏ نگاران چه اطلاعاتی را در دائرة المعارف خود ثبت‏ می‏کنند؟شیوه‏های ثبت این اطلاعات چیست؟و سؤالاتی از این قبیل.

اطلاعات دائرة المعارفی را می‏توان از دو جنبهء اطلاعات غیر زبانی و اطلاعات زبانی مورد بررسی‏ قرار داد.اطلاعات غیر زبانی اموری است‏ همچون هدف،محتوی(البته محتوی در برگیرندهء اطلاعات زبانی نیز هست)،شکل،نظم و غیره و اطلاعات زبانی مانند زبان و بیان،رسم الخط، تلفظ و غیره است.روشن است که پرداختن به‏ تمام این مسائل در خور مقاله یا رساله‏ای مستقل‏ است،لذا در اینجا فقط به بعضی از آنها به‏ اختصار تمام اشاره خواهد شد.

اطلاعات غیر زبانی

بطور کلی،تا قرن 19 میلادی بهترین‏ دائرة المعارف مجموعه‏ای بود از تک پژوهشها که‏ هر کدام را یکی از خبرگان معارف بشری،به‏ نگارش درآورده بود،اما گسترش تعلیم و تربیت‏ در سطح جهان،موجب نگرشی تازه به تدوین‏ چنین آثاری شد.در حال حاضر مجموعه‏های‏ مختلفی از این قبیل در کتابخانه‏ها،دانشگاهها ومدارس در دسترس دانش‏پژوهان،دانشجویان، دبیران و دانش‏آموزان است.بنابراین،با چنین‏ کاربرد وسیعی هدف دائرة المعارف چه باید باشد؟ دنیس دیدرو(2)در مقدمهء«دائرة المعارف»مشهور فرانسه چنین می‏گوید:«هدف دائرة المعارف‏ جمعآوری آگاهیها و اطلاعات پراکنده از دانش و معارف بشری در یک مجموعه است تا بدین وسیله‏ این آگاهیها به نسل معاصر و آینده انتقال یابد و زحمات گذشتگان بیهوده نماند.»(3)همچنین دربیان اهمیت هدف دائرة المعارف‏ گفته شده است که«کشیدن نقشه برای هر دائرة المعارف که اولین گام و گام سازنده و شکل دهنده است،باید بیان هدفی باشد که‏ بر حسب آن بتوان موضوعهای گوناگون را در نظر گرفت»(4)«البته هدف خاص هر دائرة المعارف‏ تفهیم است و مقدار اطلاعاتی که به نفس خود مجاز به ورود در آن است باید بر اساس آن معین‏ شود که تا چه اندازه برای فهم مطلب مورد نظر لازم است.واژهء«فهم»در اینجا معنایی بیشتر از قابلیت درک و قابلیت فراگیری دارد.»بعلاوه،«از هیچ دائرة المعارفی نباید توقع داشت-یا به آن‏ اجازهء این ادعا را داد-که همه چیز برای همه کس‏ باشد،و هیچ دائرة المعارف در خور احترامی هم‏ نباید هرگز بخواهد که چنان باشد.جهان پر است‏ از چیزهای شگفت‏انگیز،اما همهء آنها به راحتی در هیچ کتابی جا خوش نمی‏کنند،هیچ دلیلی وجود ندارد که توضیح قوانین گرمایی،و اطلاعات برای‏ ساختن لانهء پرندگان،زندگینامهء شکسپیر،و... همه در یک مجموعه جا بگیرند.»(5)بنابراین‏ اولین قدم در دائرة المعارف تبیین هدفی است که‏ بدقت مورد نظر باشد اما در چنین تبیینی باید به‏ چند نکته توجه داشت:

هدف

وحدت هدف:آیا در تدوین دائرة المعارف به‏ پیوستگی و یگانگی معارف بشری توجه شده‏ است؟

آیا هدف از تدوین دائرة المعارف خدمت به‏ فرهنگ یک جامعه یا جوامع بشری است؟

آیا هدف آن برآوردن نیاز مراجع است؟

محتوی‏ مقدمه باید مطالب زیر را نشان بدهد:

الف)هدف دائرة المعارف؛

ب)منابع مورد استفاده در تدوین آن؛

ج)روش تدوین و تألیف دائرة المعارف؛

د)داشتن راهنمای استفاده؛

هـ)مشخص بودن پدیدآورندنگان مقالات؛

ی)برشمردن ویژگیهای دائرة المعارف؛

ل)مشخص بودن اینکه چه نوع اطلاعاتی در دائرة المعارف فراهم آمده است،و به عبارت دیگر دائرة المعارف عمومی است یا تخصصی،و اگر تخصصی است در چه زمینه‏ای؟

بعلاوه،باید مفهوم شود که اطلاعات‏ دائرة المعارف روزآمد است یا خیر.

شکل

آیا مدخلهای دائرة المعارف شمول کافی دارند؟ آیا مدخلها ارجاعات لازم را دارند؟

آیا شواهد و امثلهء کافی وجود دارد؟به بیان‏ دیگر آیا هر مفهوم با ذکر شاهد و مثال آمده است؟ و آیا این مثالها آموزنده‏اند؟

آیا مدخلها در صورت لزوم نقشه،تصویر، لوحه،نمودار و یا جدول دارند؟آیا تصاویر صورت منسجمی دارند،یعنی اطلاعات کافی و ضروری بر اطلاعات درون متنی می‏افزایند و به‏ تفهم آن کمک می‏کنند؟آیا تصاویر واقعی هستند یا خیالی؟

ضمائم:آیا ضمائمی برای دائرة المعارف وجود دارد تا اطلاعات لازم را در موارد مختلف ارائه‏ کند؟برای مثال به تغییرات سیاسی،تحولات‏ اجتماعی و تازه‏های علم اشاره کند.

آیا دائرة المعارف قطع چشم نواز جالبی دارد؟

آیا چاپ مرغوب و مناسبی دارد؟در چاپ از حروف مناسب و کاغذ مناسب استفاده شده‏ است؟

آیا اغلاط چاپی به حداقل رسیده‏اند؟

نظم اطلاعات

آیا دائرة المعارف نگار برای تفکیک حوزه‏های‏ مختلف دانش بشری و سامان دادن آنها در مجموعه‏ای منسجم از نظام خاصی تبعیت کرده‏ است؟آیا این نظام بر حسب توالی الفبائی است یا تلفیق موضوعی و یا غیره بدون چنین آرایشی‏ استفاده از دائرة المعارف برای کاربران آن غیر ممکن خواهد بود.

ارتباطات

با اینکه هر دائرة المعارف هویتی مستقل دارد هیچ دائرة المعارفی به تنهائی بوجود نمی‏آید،بلکه‏ مانند هر پژوهش تازه بر پایهء تجربه و میراث علمی‏ و فرهنگی پیشینیان استوار است.بنابراین از جنبهء اقتباس مطالب دائرة المعارفها به یکدیگر وابسته‏اند.حتی در طرح ساختی،بسیاری از دائرة المعارفها از یکدیگر پیروی کرده‏اند.

اطلاعات زبانی

انتقال مفاهیم از طریق زبان صورت می‏گیرد و در هر دائرة المعارف هم مهمترین جنبهء آن بشمار می‏آید.این مشخصهء مهم دائرة المعارف نویسی، یعنی از جنبهء زبان و بیان،رسم الخط و تلفظ، موضوع بررسیهای بعدی این نوشته خواهد بود.

زبان و بیان

موضوع زبان و بیان نوشتار که غالبا تحت عنوان‏ «سطح نوشته»و یا«گروه سنی خواننده»بررسی‏ می‏شود،بحث فنی و پیچیده‏ای است که‏ بخصوص در سالهای اخیر مورد توجه روان‏ شناسان زبان،(6)برنامه ریزان زبانی(7)و سایر پژوهشگران بوده است.بعلاوهء همه‏ دائرة المعارف نویسان تلاش می‏کنند که هر جمله‏ای که می‏نگارند از نظر ساخت واژه‏ها ساخت دستوری و بافت درونی متن مدخلها، برای مخاطبانشان یا برای گروه سنی خاصی قابل‏ درک باشد.روشن است که هر نوشتاری با توجه‏ به خوانندگان و کاربران آن نوشتار زبان خاص خود را می‏طلبد.

بدون تردید این پرسش مطرح می‏شود که«چه‏ زبانی برای چه گروه سنی خاصی؟»پاسخ این‏ پرسش بر پایهء دیدگاههای مختلف و آگاهی یافتن‏ بر بنیاد سازه‏های زبانی استوار است،لذا این‏ موضوع مهم باید در بحث از مشخصه‏های‏ دائرة المعارف نویسی برای کودکان و نوجوانان بطور اخص مورد بررسی قرار گیرد.

رسم الخط

علیرغم دیرینگی زبان فارسی،به دلیل کیفیت‏ خاص الفبای آن،صورت نوشتاری واحد و موردقبول همگان کمتر یافت می‏شود.بعلاوه،با رشد روز افزون علم و ترجمهء آثار علمی،فنی و ادبی، بخصوص در سده‏های اخیر،این بی‏سامانی بیشتر شده است.

تا کنون به علت اهمیت زیاد موضوع کتابها و جزوات بسیاری به وسیلهء محققان ادب فارسی‏ تهیه شده و صورتهایی که به نظر آن محققان‏ درست است برای فارسی زبانان تجویز گردیده‏ است.

در این مورد نکته‏ای از دیدگاه زبانشناسی مفید است.اولا در تبیین بکارگیری صورت تجویزی یا صورت معمول دو دیدگاه سنتی و زبانشناسی‏ در تقابل با یکدیگر قرار می‏گیرند.زیرا زبان شناسی‏ جنبهء توصیفی(8)دارد و نه تجویزی(9)زبان شناسی‏ به آنچه گفته می‏شود علاقه‏مند است،نه به آنچه‏ فکر می‏کند باید گفته شود.او زبان را در تمام‏ جنبه‏هایش توصیف می‏کند و هیچگاه قوانین‏ «صحیحی»را تجویز نمی‏نماید(10)»

ثانیا در چرخش دائم همه چیز،زبانها نیز پوسته در حال تغییر و تحولند.جان ویلموت(11) می‏گوید:«تغییر طبیعت امری طبیعی است،این‏ ثبات است که عجیب و غیر طبیعی است»(12)

ویلهم فون همبولت(13)فیلسوف زبانشناس‏ آلمانی در 1836 میلادی گفته است:«درست‏ همانطور که در اندیشهء فروزان انسانها لحظه‏ای‏ توقف وجود ندارد.در کار زبان هم لحظه‏ای توقف‏ نمی‏توان یافت.طبعا در روند مستمر تکامل،زبان‏ هم تغییر می‏کند(14).در این روند تغییرپذیری‏ زبان است که صورتی از واژه به صورتی دیگر تبدیل می‏شود.

ثالثا زبانشناس«زبان گفتاری»را اصل‏ می‏شناسد و نه«زبان نوشتاری»را چون زبان‏ نوشتاری خود انعکاسی از گفتار است.

در فراهم آوردن معیارها و ضوابط برای‏ گزینش صورتهای گوناگون واژه یا ترجیح‏ صورتی بر صورتی دیگر،ترجیح صورت گفتاری‏ بر نوشتاری،ترجیح صورت کلاسیک بر صورت‏ معمول اصل را باید بر ترجیح صورت پر کاربرد بر صورت کم کاربرد یا منسوخ شده قرار داد.

بهر حال،باید گفت که از جهت انسجام و یکپارچگی و هماهنگی نوشته و پرهیز از ناهماهنگی در ضبط کلمات دائرة المعارف نویس‏ ملزم به انتخاب رسم الخطی واحد است و باید آن را در تمام نوشته‏اش بکار گیرد دشواری‏ عمدهء دیگر ضبط صحیح تلفظ واژه‏های بکار رفته‏ است.چنانچه تلفظ بعضی کلمات نظیر واژه‏های‏ هم آوا و چند نویسه و یا یک نویسه و چند آوا و غیره و همچنین وامواژه‏ها به طریقی مشخص نشود و مراجعی برای نخستین بار با واژه‏هایی‏ مانند«آبرفت»،«اریستو کراسی»،«سریانی»، «سامبوکوس ابلوس»و«تراژدی»برخورد کند، نخواهد دانست که تلفظ درست آنها چیست.

در اینجا باید یادآور شد که اولا بین صورت‏ گفتاری زبان و نوشتاری آن تطابق یک به یک وجود ندارد.ثانیا به دلیل نارساییهای الفبای معمولی‏ زبان که در ادامهء بحث بدان اشاره خواهد شد. ثبت دقیق تلفظ واژه‏ها با این الفبا میسر نیست. ثالثا انتخاب روش مناسب برای ثبت دقیق تلفظ وامواژه‏ها،بدون شناخت وجوه اشتراک و افتراق‏ نظام صوتی دو زبان مبدأ و مقصد،امکان‏پذیر نیست.رابعا در روند تغییرات اجتماعی و پیامد آن‏ تغییرات زبانی و همچنین پیشرفت جوامع‏ در زمینه‏های مختلف علمی،ورود واژه‏های بیگانه‏ به یک زبان اجتناب‏ناپذیر است.پس برای ضبط درست تلفظ لغات قرضی و همچنین واژه‏های‏ دشوار زبان چه شیوه‏ای را باید برگزید؟آیا تنها گذاشتن اعراب(ضمه،فتحه و کسره)،آنطور که‏ بسیاری از فرهنگها و کتابها عمل کرده‏اند،کفایت‏ می‏کند و یا مانند«دانشنامهء ایران و اسلام» (1354)می‏توان شیوهء حرف نگاری(15)را برگزید؟آیا بهتر نخواهد بود که این گونه کلمات‏ واج نگاری(16)یا آوا نگاری(17)شوند؟

در پاسخ به پرسشهای فوق لازم است‏ نارسائیهای الفبای معمولی زبان،بالاخص الفبای‏ زبان فارسی،مورد بررسی قرار می‏گیرد آنگاه‏ شیوه‏های تازه دگرنویسی واژگان،چه واژگان‏ زبان فارسی و چه وامواژه‏ها و چه اسامی خاص‏ زبانهای بیگانه،مورد بحث قرار خواهد گرفت.

نارسائیهای الفبای معمولی زبان

الف)یک آوا چند نویسه برای مثال در واژه‏های‏ «زرد»،«ناظر»،«مذاق»،«ضرورت»،آوای‏[ Z ] به صورت«ز»،«ظ»،«ذ»و«ض»آمده است.

همچنین در زبان فارسی نویسه‏های مختلفی‏ وجود دارد که هم آوا هستند و عبارتند از:

آوای‏[ t ]برای«ت»و«ط»

آوای‏[ s ]برای«س»،«ص»و«ث»

آوای‏[ q ]برای«غ»و«ق»

ب)یک نویسه چند آوا.برای مثال نویسه‏های‏ «و»و«ی»در مثالهای زیر دارای آواهای متفاوتی‏ هستند:

تو:آوای‏[ o ]

بود:آوای‏[ u ]

ورزش:آوای‏[ v ]

موز:آوای‏[ wo ]

میز:آوای‏[ i :]

یار:آوای‏[ y ]

ج)آواهایی که نوشته نمی‏شوند.در زبان فارسی‏ -آواهایی وجود دارد که نمایانده نمی‏شوند،مانند[ a ]،[ e ]،[ o ]در واژه‏هایی مانند سر،نشان و مراد.

د:ترکیب چند نویسه(نشانه)برای نشان دادن‏ یک آوا،مانند ترکیب«خ»و«و»برای نشان دادن‏ آوای‏[ X ]در واژگانی نظیر خواب و خواهش.

بدیهی است که الفبای هر زبانی نارسائیهایی‏ دارد و نمی‏تواند نمایانگر صورت دقیق تلفظ واژه‏های آن باشد.پس باید شیوه‏ای برگزید: بر اساس داده‏های زبانشناسی چنین شیوه‏هایی‏ بوجود آمده‏اند.و آنها عبارتند از«حرف نگاری»، «واجنگاری»و«آوا نگاری»که در اینجا بدانها اشاره می‏شود.

حرف نگاری

«حرف نگاری عبارت است از نوشتن کامل تک‏ تک حرفهای یک واژه یا جمله در یک زبان به خط زبان دیگر.معمولا در حرف نگاری یا حرف‏ نویسی نوشتن کلمات و جملات مکتوب مورد نظر است(18)»در«دانشنامهء ایران و اسلام»از این روش‏ استفاده شده است که برای‏ نمونه چند مثال ذکر می‏شود:

ابوالخیر lubA

سمت tmaS

قریب birahg

ثلث htluht

جبر rbajd

شوش hsohs

واج نگاری.واجنگاری را اینگونه تعریف‏ کرده‏اند:«واج نگاری یا واج نویسی در مطالعات‏ واج شناسی بکار می‏رود.در واج شناسی جنبه‏های‏ تولیدی،دریافتی یا آکوستیک آواها مطرح نیستند. بلکه ملاک نگارش آواها نقش ساختی آنهاست و اگر آوائی در ساخت صوتی زبان دارای نقش‏ نباشد ضرورتی ندارد که در واج نویسی نوشته‏ شود.پس در واج نویسی تنها صداهای نقش‏دار (یعنی واجها)نوشته می‏شوند و صداهائی که در ساخت زبان دارای نقش نباشند از واج نویسی‏ حذف می‏شوند.برای مثال واج«ر»در فارسی‏ «راه»«سرد»و«سطر»داری سه آوای متفاوت‏ است.اما نقش هر سه آوا یکی است.بدین معنی‏ که اگر کسی،در تلفظ کلمهء«سطر»،به جای‏ آوای سایشی و اگر فتهء آمیخته به لرزش اشتباها آوای غلطان و اکبر بکار برد،معنی کلمه را عوض‏ نکرده است،بلکه تلفظ کلمه را عوض کرده‏ است.اما اگر کسی بجای واج«ر»از واج«ل» استفاده کند-یعنی هنگام تلفظ کلمه را به صورت‏ «سطل»ادا نماید-آنگاه معنی کلمه عوض خواهد شد.پس در واج نویسی لزومی ندارد که برای سه‏ نوع«ر»سه نشانه اختیار شود و کافی است هر سه‏ را با یک نشانه بنمایانند»(19).

آوا نگاری:با توجه به آنچه که در بخش‏ نارسائیهای الفبای زبان ذکر شد و عدم تطابق‏ صورت گفتاری و نوشتاری زبان و ضرورت‏ نمایش دقیق زنجیرهء گفتار و صداهای زبان به‏ الفبایی نیاز پیدا شد تا در هنگام حرف نگاری تنها به‏ تلفظ کلمات توجه شود و به کمک این الفبا بتوان‏ صورت تلفظی واژه را طوری نوشت که فقط با یک تلفظ خوانده شود.چنین الفبایی را«الفبای‏ آوا نگاری»گویند.زبان شناسان در قرن نوزدهم‏ میلادی با بررسی خصوصیات آوائی زبانها و توجه‏ به اینکه هر آوائی از نظر تولید دریافت و طبیعت با آوای دیگر متفاوت است و باید با یک نشانهء جداگانه آوا نگاری شود،یعنی در برابر هر آوا تنها یک نشانهء خطی بکار رود موفق به ابداع الفبای‏ آوا نگار جهانی( API )شدند.هم اکنون این الفبا کاربرد بسیاری پیدا کرده است و می‏توان از آن‏ برای نمایاندن دقیق زنجیرهء گفتار و صداهای زبان‏ یا به عبارت دیگر صورت درست تلفظ واژگان‏ زبان و هم وامواژه‏ها و اسامی خاص زبانهای‏ بیگانه استفاده کرد و به نظر می‏رسد که با استفاده‏ از این الفبا مراجع در برخورد با واژه‏های دشوار و قرضی مشکل نخواهد داشت یا لاقبل با مشکل‏ کمتری مواجه خواهد شد.

پی‏نوشت:

1- slleW.G.H

2- sineD torediD

3- aidepolcycnE .anaciremA 5791, weN kroY ? loV 01, P 033.

4-پریس،وارن،یادداشتهائی در جهت دانشنامه جدید، ترجمهء احمد بیرشک و دیگران،تهران کتاب دوم و سوم،بهار 67،ص 499.

5-همانجا.

6- stsiugnilohcysP

7- egaugnaL srennalP

8- evitpircsed

9- evitpircserP

10-جین اچسون زبانشناسی همگانی،ترجمه،حسین‏ وثوقی،تهران:1367،ص 17.

11- nhoJ tomliW

21-41- nosihctiA , naeJ , egaugnaL , dnalgnE 1891, P 51

31- mlehlsiW noV tdibmuH

51- snarT noitaretil

61- cimenohP noitpircsnarT

71- citenohP noitpircsnarT

18-یارمحمدری،لطف الله،درآمدی به آوا شناسی،تهران، 1364،ص 35

19-حق شناس،علی محمد،آوا شناسی،تهران،1356، ص 33